موسیقی بیرونی شعر بهار

فرامرزی کفاش، ریحانه

1-موسیقی بیرونی شعر

منظور از موسیقی بیرونی که توسط دکتر شفیعی کدکنی مطرح‏ می‏شود،مباحث عروض و وزن شعر است.1از وزن عروضی تعارف‏ گوناگونی ارائه شده است که طبق سخن دکتر ناتل خانلری، قدیمی‏ترین تعریف از آن آرسیتوکسنوس تازنتومی Aristoxenos de Tarentumi ،فیلسوف و شاگرد ارسطو،در قرن چهارم قبل از میلاد است که وزن را چنین تعریف کرده است:«وزن،نظم معیّنی‏ است درازمنه».2

دکتر شمیسا،وزن شعر فارسی را چنین تعریف کرده است: «وزن،نظم و تناسب خاصی‏ست در اصواب شعر(هجاها)»3 به عبارتی،وزن شعر فارسی مبتنی بر توالی‏های هجاهای کوتاه و بلند در یک مصراع و تکرار همان توالی‏ها در مصراع‏های دیگر است. پس در واقع وزن شعر فارسی عبارت است از:مجموعه‏یی از هجاهای کوتاه و بلند که با نظمی خاص قرار گرفته‏اند و هر نظم‏ خاص،وزن خاصی را نیز به ذهن متبادر می‏سازد.

وزن،مهم‏ترین عامل شعر کلاسیک فارسی محسوب می‏شود و اهمیت آن بدان حد است که اگر سخنی در اوج بهره‏مندی از عاطفه، مهم‏ترین عنصر معنوی شعر باشد،امّا از وزن خالی باشد،آن سخن‏ شعر محسوب نمی‏شود؛البته عاطفه با وجود وزن است که می‏تواند به اوج خود برسد.در مورد منشأ وزن در میان ملل مختلف اختلاف‏ وجود دارد و هر گروهی آن را نشأت گرفته از محیط زندگی خود می‏داند.مثلا عرب‏ها وزن را نشأت گرفته از صدای پای شتران در صحرا می‏دانند و دالامبر Dalamber در قرن هجدهم آن را نشأت گرفته از ضربه‏های متوازن پتک‏های کارگران معرفی می‏کند.4

2-تأثیرات موسیقی بیرونی شعر

موسیقی بیرونی یا وزن،در خواننده تأثیراتی را به‏جا می‏گذارد که‏ به‏طور خلاصه عبارت است از:

1-وزن لذت موسیقایی را در خواننده ایجاد می‏کند،زیرا باعث‏ اتحاد اجزای پراکنده‏ی زبان و کلمات می‏شود و این اتحاد حاصل‏ قرینه‏سازی و تقارنی‏ست که در شعر به وجود می‏آید؛.

2-کلمات را به گونه‏یی خاص برجسته و نمایان می‏سازد و این‏ به دلیل تأکیدی‏ست که بر روی کلمات به وجود می‏آورد و خواننده‏ روی تک تک کلمات تأمل می‏کند و تأمل او در مورد قافیه بیش‏تر می‏شود.ازاین‏روست که قافیه تشخّص خاصی در شعر پیدا می‏کند؛

3-میزان ضربه‏ها و جنبش‏ها را منظم می‏سازد و کمک می‏کند خواننده شعر را سریع‏تر و آسان‏تر حفظ کند و از همین جهت است‏ که معمولا نثرهای مسجّع زودتر از نثرهای ساده حفظ می‏شود.

اسپنسر Spencer وزن را ابزاری برای صرفه‏جویی در توجه‏ ذهن می‏داند و لذتی که از آن به دست می‏آید،نتیجه‏ی آن می‏داند که چون کلمات برطبق وزنی آشنا باهم تلفیق می‏شوند،ذهن آن‏ها را ساده‏تر و سریع‏تر درک می‏کند و از کوششی که باید با حفظ مجموعه‏ی کلمات به کار برد تا ارتباط آن‏ها را باهم و بعد با معنی‏ دریابد،کم می‏شود.5

3-وزن در شعر کلاسیک

در شعر کلاسیک فارسی،ترکیب مقادیر مساوی هجاهای کوتاه‏ و بلند،ارکان عروضی را تشکیل می‏دهد.این ارکان با کمک سه‏ حرف اصلی«ف»،«ع»و«ل»ودر برخی موارد با حروف فرعی‏ دیگر مثل«م»،«س»،«ی»،«ا»و«ت»نمایش داده می‏شود.این‏ ارکان در تمام مصراع‏های شعر به تعداد معیّن تکرار می‏گردد.حد اقل‏ تکرار ارکان عروضی در طول یک مصراع دو بار و در طول یک بیت‏ چهار بار و حد اکثر آن در طول یک مصراع چهار بار و در طول یک‏ بیت هشت بار است.در شعر فارسی وزن در طول بیت مورد بررسی‏ واقع می‏شود و برحسب آن‏که کدام ارکان عروضی باهم در شعر به‏کار رفته است،وزن‏های عروضی نام‏های مختلف به خود می‏گیرد.

دکتر شمیسا تعداد ارکان عروضی مشهور شعر فارسی را 20 رکن‏ و تعداد وزن‏های موجود در شعر فارسی را حدود 300 وزن دانسته‏ است.6این در حالی‏ست که مسعود فرزاد زبان فارسی را با 216 وزن‏ عروضی،دارای غنی‏ترین عروض و وزن جهانی می‏داند.7

در مورد منشأ عروض فارسی ظاهرا برخی مانند علاّمه محمّد قزوینی،آن را مأخوذ از زبان عربی می‏داند،امّا دکتر وحیدیان کامیار با توجه به استدلال‏هایی که می‏کند،این نظریه را مردود می‏داند.از جمله استدلال‏های ایشان این است که واحد وزن در زبان عربی بیت‏ است،درحالی‏که واحد وزن زبان فارسی مصراع؛فقط آن‏چه محققین‏ بزرگی چون علاّمه قزوینی را به این اشتباه انداخته،وجود الفاظ مشترکی‏ست که میان عروض این دو زبان وجود دارد و علت این‏ الفاظ مشترک آن است که نویسندگان عروض ایرانی پایه‏ی کار خود را بر تحمیل قواعد عروضی خلیل بن احمد و واضع علم عروض‏ عربی قرار داده‏اند و به جای توصیف اوزان عروض فارسی،سعی‏ کرده‏اند که اوزان عروض زبان عربی را در مورد زبان فارسی نیز صادق بدانند و این کار درست همان‏گونه است که در مورد دستور زبان فارسی دستورنویسان اولیه انجام داده‏اند.8

با توجه به کثرت وزن شعر فارسی،معمولا شاعران از تعداد اوزان محدودی استفاده می‏کنند،چراکه همه‏ی اوزان مطبوع و خوشایند نیستند،بلکه برخی اوزان از نظر موسیقایی و ایجاد لذت در خواننده نامطبوع محسوب می‏شوند و شاعران کم‏تر از آن‏ها استفاده‏ می‏کنند.

4-اوزان شعر بهار

ملک الشعرای بهار با توجه به ذوق شعری قوی و مطالعه‏ی وسیع‏ دیوان‏های شاعران مختلف فارسی،از انواع مختلف وزن در اشعار خود استفاده می‏کند و او عموما وزن‏های مطبوع و خوشایند را برمی‏گزیند که با مضمون سخن او هماهنگی و تناسب دارد. مهم‏ترین اوزان شعر دیوان اشعار ملک الشعرا عبارت است از:

1-مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن،بحر هزج مثمّن‏ سالم:این وزن یکی از مطبوع‏ترین و پرکاربردترین وزن‏های شعر فارسی محسوب می‏شود و حافظ غزل معروف خود را با مطلع زیر بر این وزن سروده است:

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم‏9

چند مثال از دیوان اشعار بهار:

ز تقوا عمر ضایع شد،خوشا مستی و خودکامی‏ دل از شهرت به تنگ آمد،زهی رندی و گمنامی‏10 بگرد ای جوهر سیّال در مغز بهار امشب‏ سرت گردم،نجاتم ده ز دست روزگار امشب‏11 اسیر خود شدن تا کی؟ز خود وارستنی باید ز تن کامی نشد حاصل،به جان پیوستنی باید12

2-مفاعیلن مفاعیلن فعولن،بحر هزج مسدّس محذوف:

دو رویه زیر نیش مار خفتن‏ سه پشته روی شاخ مور رفتن‏13

3-مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل،بحر هزج مسدّس مقصور:

صبا شبگیر کن از خاورستان‏ به آذربایجان شو،بامدادان‏ گذر کن از بر کوه سهندش‏ عبیرآمیز کن پست و بلندش‏14

4-مفعول مفاعلن مفاعیل،بحر هزج مسدّس اخرب‏ مقبوض مقصور:

شاعر قصیده‏ی معروف دماوندیه‏ی خود را با مطلع زیر بر این‏ وزن سروده است:

ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند15

ملک الشعرا،وزن این قصیده را از ترجیع‏بند نیما یوشیج گرفته‏ است:

هان ای شب شوم وحشت‏انگیز تا چند زنی به جانم آتش‏ یا چشم مرا ز جای بر کن‏ یا پرده ز روی خود فروکش‏ یا بگذار تا بمیرم‏ کز دیدن روزگار سیرم‏16

5-فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع لن،بحر رمل مثمّن مخبون‏ اصلم:

من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید قفسم بده به باغی و دلم شاد کنید17

6-فعالتن فعلاتن فعلات،بحر رمل مسدّس مخبون:

بود در بصره جوانی ز اعراب‏ شده از عشق بتی مست و خراب‏18

7-مفاعلن مفاعلن مفاعلن،بحر رجز مسدّس مقبوض:

فغان ز جغد جنگ و مرغوای او که تا ابد بریده باد نای او19

8-مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان،بحر مضارع مثمّن‏ اخرب مکفوف محذوف:

دردا که دور کرد مرا چرخ بی‏امان‏ ناکرده جرم،از زن و فرزند و خانمان‏20

9-مفعول مفاعیل فاعلاتن،بحر قریب مسدّس اخرب‏ مکفوف:

آمد چو دو نیمه برفت از شب‏ آن ساده بناگوش سیم غبغب‏21

10-فاعلاتن مفاعلن فعلن،بحر خفیف مسدّس مخبون‏ محذوف:

دوش چون بر شد آن درفش سیاه‏ گشت پیدا طلایه‏ی دی‏ماه‏22

11-مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن،بحر مجتثّ مثمّن‏ محذوف:

چه می‏کنی،به چه کاری،امانوئول،پسرم؟ بود ور که واردی عزیزم،فرانسوا،پدرم!23

12-فعولن فعولن فعولن فعل،بحر متقارب مثمّن‏ محذوف:

بده ساقی آن می که خواب آورد شرابی که در مغز تاب آورد24

13-مفتعلن مفتعلن فاعلن،بحر سریع مسدّس مطوی:

پادشها،چشم خرد باز کن‏ فکر سرانجام در آغاز کن‏25

14-مفتعلن مفتعلن فاعلات فاع،بحر سریع مثمّن مطوی‏ مکشوف(مقصور مزید):

غم مخور ای دل که جهان را قرار نیست‏ و آن‏چه تو بینی به جز از مستعار نیست‏26

این وزن را از نوآوری‏های بهار دانسته‏اند که در آخر مصراع یک‏ هجای بلند تنها می‏ماند.البته برخی بر شاعر خرده گرفته‏اند که چرا این هجا را در آخر تنها آورده است.مهدی اخوان ثالث آن را از اختیارات شاعر محسوب می‏کند.27

پی‏نوشت‏ها

(1)-شفیعی کدکنی،موسیقی شعر،چاپ سوم،ص 390؛

(2)-ناتل خانلری،پرویز، وزن شعر فارسی،انتشارات بنیاد فرهنگ،چاپ اول،ص 23؛

(3)-شمیسا، سیروس،آشنایی با عروض و قافیه،انتشارات فردوسی،چاپ پانزدهم،ص 12؛

(4)-شفیعی کدکنی،همان‏جا،ص 41؛

(5)-شفیعی کدکنی،همان‏جا،ص 84؛

(6)-شمیسا،همان‏جا،صص 25 و 27؛

(7)-فرزاد،مسعود،اوزان شعر فارسی، ضمیمه‏ی مجله‏ی خرد و کوشش،بهمن‏ماه 1379،ص 66(به نقل از فرشید ورد، خسرو،درباره‏ی ادبیات و نقد ادبی،انتشارات امیر کبیر،چاپ اول،ج 1،ص 111)؛

(8)-وحیدیان کامیار،تقی،در قلمرو زبان و ادبیات فارسی،انتشارات محقق، چاپ اول،ص 226،

(9)-حافظ،دیوان اشعار،به کوشش خطیب رهبر،انتشارات‏ صفی علی شاه،چاپ شانزدهم،ص 510؛

(10)-بهار،دیوان اشعار،چاپ دوم،ج 1، ص 502؛

(11)-همان مأخذ،ج 2،ص 285؛

(12)-همان مأخذ،ص 411؛

(13)-همان مأخذ،ص 474؛

(14)-همان مأخذ،ص 209؛

(15)-همان مأخذ،ص‏ 353؛

(16)-ترابی،ضیاء الدین،نیمایی دیگر،نشر دنیای نو،چاپ اول،بهار 1375، ص 95؛

(17)-همان مأخذ،ج 2،ص 412؛

(18)-همان مأخذ،ص 229؛

(19)-همان مأخذ،ج 1،ص 693؛

(20)-همان مأخذ،ج 1،ص 542؛

(21)-همان‏ مأخذ،ص 150؛

(22)-همان مأخذ،ص 432؛

(23)-همان مأخذ،ج 2،ص 197؛

(24)-همان مأخذ،ص 287؛

(25)-همان مأخذ،ص 165؛

(26)-همان مأخذ،ج 1، ص 498؛

(27)-اخوان ثالث،مهدی،صدای حیرت بیداری(گفت‏وگو)،زیر نظر کافی،مرتضی،انتشارات زمستان،چاپ اول،صص 468 و 469.

حافظ و دیگر انتشارات دایره المعارف ایران‏شناسی را از مراکز فرهنگی و کتاب‏فروشی‏های زیر بخواهید:

1-مرکز دایره المعارف ایران‏شناسی:خیابان انقلاب-اول‏ فلسطین-ساختمان مهر-شماره‏ی 2-طبقه سوم

2-انتشارات فرهنگستان زبان وادب فارسی:عباس آباد- خیابان احمد قصیر(بخارست)-نبش کوچه‏ی سوم

3-کتاب مرجع:انتشارات بنیاد دایره المعارف اسلامی،میدان‏ فلسطین-اول فلسطین شمالی-شماره‏ی 130

4-انتشارات دانشگاه(نشر پشوتن):تقاطع فلسطین و انقلاب(ساختمان دانشگاه آزاد)

5-کتاب‏فروشی طهوری:خیابان انقلاب-روبروی دانشگاه‏ تهران

6-کتاب‏فروشی خوارزمی:خیابان انقلاب-روبروی دانشگاه‏ تهران

7-کتاب‏فروشی بیگوند:خیابان انقلاب-تقاطع وصال

8-کتاب‏فروشی شیوا:خیابان انقلاب-اول خیابان‏ فخر رازی

9-انتشارات بعثت:خیابان انقلاب-بعد از چهار راه فلسطین‏ -پلاک 1222

10-کتاب‏فروشی توس:خیابان انقلاب-اول ابوریحان

11-کتاب‏فروشی پکا:خیابان فلسطین-نبش کوچه نایبی

12-انتشارات آریان:خیابان انقلاب-اول خیابان اردیبهشت

13-اسرار دانش:خیابان انقلاب-خیابان دوازده فروردین